

ردیف آوازی
به روایت استاد محمود کریمی

دفتر سوم
دستگاه ماهور، راست پنجگانه، سه گاه و چهار گاه

Shiraz-Beethoven.ir

آوانویسی و اجرا برای ساز نی
سیامک جهانگیری



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور

تهران ۱۳۹۷

فهرست

گستره‌ی صوتی ساز نی ۷

دستگاه ماهور ۹

۱. درآمد ۱۳

۲. گشایش ۱۵

۳. داد ۱۶

۴. حصار، زیرافکن، ماهور صغیر، آذربایجانی، فرود ۱۸

۵. قیلی ۲۰

۶. شکسته ۲۱

۷. دلکش ۲۳

۸. نیشابورک ۲۶

۹. گوشه‌ی نیریز ۲۸

۱۰. مرادخوانی یا آذربایجانی ۳۰

۱۱. طوسی ۳۳

۱۲. نصیرخانی ۳۴

۱۳. خاوران ۳۶

۱۴. نهیب، عراق، محتیر، آشور، حزین، فرود ۳۷

۱۵. راک هندی ۴۰

۱۶. صغیر راک ۴۱

۱۷. راک عبدالله ۴۲

۱۸. راک کشمیر ۴۳

۱۹. ساقی‌نامه، صوفی‌نامه، کُشته ۴۴

۲۰. مثنوی ۴۸

دستگاه راست پنجگاه ۵۱

۱. درآمد ۵۳

۲. پروانه ۵۵

۳. نغمه ۵۶

۴. روح‌افزا ۵۷

۵. نیریز ۵۸

۶. پنجگاه و سپهر ۶۰

۷. عشاق ۶۲

۸. بیات عجم، بحر نور، قرچه، مُبرقع، سپهر، فرود ۶۵

Shiraz-Beethoven.ir

۶۹	۹. عراق، نهیب، محیر، آشور، حزین، فرود
۷۳	۱۰. طرز
۷۵	۱۱. لیلی و مجنون
۷۷	۱۲. راک هندی و صغیر راک
۷۹	۱۳. راک عبدالله
۸۰	۱۴. راک کشمیر
۸۱	دستگاه سه‌گانه
۸۳	۱. درآمد
۸۴	۲. درآمد، نوعی دیگر
۸۶	۳. زابل
۸۷	۴. مویه
۸۹	۵. شکسته مویه
۹۱	۶. حصار
۹۳	۷. مخالف
۹۴	۸. مخالف به مغلوب
۹۵	۹. خدی و پهلوی
۹۷	۱۰. مثنوی مخالف
۹۹	دستگاه چهارگانه
۱۰۱	۱. درآمد
۱۰۳	۲. زابل
۱۰۴	۳. حصار
۱۰۶	۴. فرود
۱۰۷	۵. مخالف
۱۰۹	۶. مخالف به مغلوب
۱۱۰	۷. منصوری
۱۱۳	۸. خدی و پهلوی
۱۱۵	۹. رجز
۱۱۶	۱۰. مثنوی مخالف
۱۱۸	منابع

***Do = Do** گستره‌ی صوتی ساز نی و شیوه‌های مختلف نگارش آن با فرض کوک نی ***Do = Do**

۱. صدای بم نرم (IP): این صدا حجم صوتی کمی دارد و بسیار صاف و لطیف است. نغمه‌ی «سی بکار» با کمتر دمیدن از نت «دو»، و نغمه‌ی «سی بمل» با بیشتر دمیدن از نغمه‌ی «لا» ساخته می‌شود و در فواصل بالقوه‌ی ساز نیست.

بم نرم

۲. صدای بم (1): مانند صدای بم نرم است اما حجم صوتی بیشتری نسبت به صدای بم نرم دارد.

بم

۳. صدای اوج (2): در فاصله‌ی یک اکتاو زیرتر از صدای بم و بم نرم است و برای سهولت در نگارش روی پنج خط حامل، با عدد ۲ مشخص شده است.

اوج

۴. صدای غیث (3): در فاصله‌ی پنجم درست از صدای اوج قرار دارد و برای سهولت در نگارش روی پنج خط حامل، با عدد ۳ مشخص شده است.

غیث

۵. صدای پس غیث (4): در فاصله‌ی یک چهارم درست از صدای غیث قرار دارد و فقط شامل یک فاصله‌ی چهارم افزوده است که برای سهولت در نگارش و حذف خطوط اضافی، با عدد ۴ مشخص شده است.

پس غیث

* این شیوه‌ی نگارش توسط جناب آقای محمدعلی کیانی نژاد در کتاب شیوه‌ی نی‌نوازی ایشان پیشنهاد و ارائه شده است.

شعرهای گوشه‌ها

۱. درآمد
آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند
دردم نهفته بیه ز طبیبان مدعی
حافظ
آیا بود که گوشه‌ی چشمی به ما کنند
باشد که از خزانه‌ی غیبش دوا کنند
۲. گشایش
چون حُسنِ عاقبت نه به رفتی و زاهدی ست
آن بیه که کار خود به عنایت رها کنند
حافظ
صاحب‌دلان حکایتِ دل خوش ادا کنند
هر کس حکایتی به تصور چرا کنند
حافظ
بهرتر ز طاعتی که ز روی ریا کنند
تا آن زمان که پرده برافتد چه‌ها کنند
حافظ
حالی درون پرده بسی فتنه می‌رود
شکسته
حافظ مدام وصل میسر نمی‌شود
دلکش
دلَم از نرگسِ بیمار تو بیمارتر است
من بدین طالع سرگشته چه خواهم کردن
گر تو آش وعده‌ی دیدار ندادی امشب
هر گرفتار که در بند تو می‌نالد زار
۸. نیشابورک
پندِ عاشقان بشنو وز در طرب باز آی
زاهدِ پشیمان را ذوقِ باده در جان است
حافظ
کاین همه نمی‌ارزد شغلِ عالمِ فانی
عاقلاً مکن کاری کاوردِ پشیمانی
حافظ
همه سرخوش ز جامِ ارغوانی
همه چون شاخ گل پیمانه در دست
کنون کاندر سر هر کس هوایی ست
همه جویای عیش و کامرانی
تماشایی خراب و باغبان مست
به هر شاخی ز هر مرغی نوایی ست
میرزا نصیر اصفهانی
۹. گوشه‌ی نیریز
۱۰. مرادخوانی یا آذربایجانی
زاهدِ خلوت‌نشین دوش به میخانه شد
از سر پیمان گذشت بر سر پیمانه شد

شاهدِ عهدِ شبابِ آمده بودش به خواب
مغفجه‌ای می‌گذشت راهزینِ دین و دل
آتشِ رخسارِ گلِ خرمنِ بلبلِ بسوخت
نرگسِ ساقی بخواند آیتِ افسونگری
منزلِ حافظ کنون بارگه پادشاست

۱۱. طوسی

دلِ عاشق به پیغامی بسازد
مرا کیفیتِ چشمِ تو کافاست

۱۲. نصیرخوانی

به حریمِ خلوتِ خود شبی چه شود نهفته بخوانی ام
من اگر چه پیرم و ناتوان تو مرا ز درگه خود مران
به هزار خنجرم از عیان زند از دلم رود آن زمان

۱۳. خاوران

عاشقِ صادق به زخمِ دوست نمیرد

۱۴. نهیب، محیر، آشور، حزین، فرود

به لطفِ خیال و خط از عارفان ربودی دل
دلت به وصلِ گلِ ای بلبلِ چمن خوش باد
علاجِ ضعفِ دلِ ما به لبِ حوالت کن

۱۵. راک هندی

چو بشنوی سخنِ اهلِ دل مگو که خطاست

۱۶. صفیر راک

بدون شعر

۱۷. راک عبدالله

در اندرونِ من خسته دل ندانم چیست

۱۸. راک کشمیر

ز جان کلامِ تو دلجو تر است و نیکوتر

۱۹. ساقی نامه، صوفی نامه، کشته

بیا ساقی آن می که حال آورَد
به من ده که بس بی دل افتاده ام
بیا ساقی آن می که عکسش ز جام

باز به پیرانه سر عاشق و دیوانه شد
در پی آن آشنا از همه بیگانه شد
چهره‌ی خندانِ شمع آفتِ پروانه شد
حلقه‌ی اورادِ ما مجلسِ افسانه شد
دل بر دلدار رفت جان بر جانانه شد

حافظ

خمار آلوده با جامی بسازد
ریاضت کش به بادامی بسازد

بایاطاهر

به کنارِ من بنشینی و به کنارِ خود بنشانی ام
که گذشته در غمت ای جوان همه روزگارِ جوانی ام
که نوازد آن مَه مهربان به یکی نگاهِ نهانی ام

هاتف اصفهانی

زهرِ مَذابِسم بده که ماءِ معین است

سعدی

لطیفه‌های عجب زیرِ دام و دانه‌ی توست
که در چمن همه گلبانگی عاشقانه‌ی توست
که آن مفرحِ یاقوت در خزانه‌ی توست

حافظ

سخن شناس نشی دلبرا خطا اینجاست

حافظ

که من خموشم و او در فغان و در غوغاست

حافظ

دَمِ تو از نفسِ بادِ صبح دلجو تر

اهلی شیرازی

کرامت فزاید کمسال آورَد
وزین هر دو بی حاصل افتاده ام
به کیخسرو و جم فرستد پیام

۱. درآمد

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند
آیا بود که گوشه‌ی چشمی
به ما کنند
دردم نهفته به ز طیبیان مدعی